

صحيفة الزهراء عليه السلام

[25] دیگر مسأله ای که در ذهن او بود فرزندان کوچکش بوند، از جمله اسامی ایشان " حانیه " است، چرا که نسبت به همسر و فرزندانش مهربان و دلسوز بود، و او بزودی می بایست پاره های جگر خود را رها سازد. او در تمام مراحل زندگی تسلیم امر خدا و قضاء الهی بود و در برابر آن سر تسلیم فرود می آورد، و به رضای او راضی بود. او در بستر مرگ قرار گرفته بود، زهرائی که قلبش از کینه کینه توزان و حسد حسودان و قساوت و سنگدلی دشمنان پدر و شویش پاره پاره شده بود، از کینه آنانکه منافقانه ایمان آوردند و بر پشت اسلام خنجر زدند. زهرائی که مجسمه صبر و بردباری است اکنون آرزوی مرگ می کند، و امید به لقای الهی دارد، پس از رحلت پدر يك لحظه روی خوش ندید، از هنگامی که پدرش بر بستر مرگ افتاده بود آن دیو سیرتان انسان نما را دیده بود که در فکر و خیال خیانت بودند، تا وصایای پیامبر اسلام را در حق شوهرش زیر پا گذارده و اسلام را از مسیر خود منحرف سازند. او در بستر مرگ قرار گرفته است با قلبی ملامال از غصه ها و اندوهها، از خیانت مسلمانان که به حمایت او بر نخواستند و دختر و داماد پیامبرشان را تنها رها ساختند. آری او در بستر مرگ قرار گرفته، مرگی که در راه حمایت از امام زمانش، شوهرش، پدر فرزندانش پذیرای آن گردیده است. او در بستر مرگ قرار گرفته بود، مرگی که مسلمانان در پاسخ به ندای پیامبرشان: " من در مقابل کارهایم تنها دوستی اهل بیتم را خواستارم "، ایشان را متحمل آن ساخته بودند، و چه خوب پاسخی به ندای مقتدا و راهبر
